

همه آرمان و آرزوی ملت و دولت و مسئولین کشور ماست که روزی فقر و تهیدستی در جامعه ما رخت بریند و مردم عزیز و صبور و غیرتمند کشور از رفاه در زندگی مادی و معنوی برخوردار باشند. خدا نیامد آن روزی را که سیاست ما و سیاست مسئولین کشور ما پشت کردن به دفاع از محرومین و رو آوردن به حمایت از سرمایه دارها گردد و اغنیاء و ثروتمندان از اعتبار و عنایت بیشتری برخوردار بشوند معاذالله که این با سیره و روش انبیاء و امیرالمومنین و ائمه معصومین - علیهم السلام - سازگار نیست، دامن حرمت و پاک روحانیت از آن منزّه است، تا ابد هم باید منزّه باشد و این از افتخارات و برکات کشور و انقلاب و روحانیت ماست که به حمایت از پابرهنگان برخاسته است و شعار دفاع از حقوق مستضعفان را زنده کرده است.

انقلابی غیر دیپلمات

بعد از سفر روحانی به نیویورک بود. حرکت های مردمی در کشور کلید زده شد. برگزاری راهپیمایی بعد از نماز جمعه هم یکی از این حرکت ها بود. جمعه ی بی اعتمادی به آمریکا. جمعه ی تسخیر سفارت آمریکا، جمعه ی شفافیت و صداقت با مردم. از همان ابتدا خیلی ها خرده گرفتند. ظریف و مذاکره کنندگان که می گفتند مذاکره باید مخفی بماند. دلیل شان به نتیجه رسیدن مذاکرات بود. عده ای هم در پازل انتخابات همه چیز را تحلیل می کردند. خرده می گرفتند که چرا در زمان تیم قبلی مطالبه ی شفاف سازی وجود نداشت. برخی هم معتقد به محرمانه بودن اطلاعات بودند. حال که توافق صورت گرفته است چند نکته را باید برشمرد تا تجربه شود برای آینده.

اول. دور دوم مذاکرات بود. ظریف و اشتون به کنفرانس خبری آمدند. دو طرف خبرهای خوبی می دادند اما وارد جزئیات نمی شدند. محتوای مذاکرات قرار نیست منتشر شود. شاه بیت کنفرانس خبری و مصاحبه های دو طرف بود. توافقی که ایران و آمریکا و کشورهای اروپایی انجام دادند. قسمت جذاب داستان اینجاست. تیم ایرانی از آمریکایی ها

خواستار بود که اسرائیلی ها را در جریان نگذارند! این خبر گویای این است که نمی دانیم با چه کسانی مذاکره می کنیم. عذرخواهی آژانس به خاطر درز اطلاعات دانشمندان هسته ای که باعث ترورشان شد را نباید فراموش کنیم. برای بی اعتمادی نسبت به طرف مقابل همین بس که همیشه بیانیه ها و نظرات ایران قبل از انتشار در سایت ها و روزنامه های آمریکایی و اسرائیلی انتشار می یافت. درحالی که فقط آژانس یک نسخه از آن را داشت!

دور دوم مذاکرات، پیشنهادی از سوی ایران ارائه شده بود، که با مخالفت فرانسه همراه شد. المانیتور رئوس پیشنهادات ایران را منتشر کرد. تیم ایرانی همه چیز را تکذیب کرد اما آینده همه چیز را ثابت کرد. توافقات نهایی بسیار نزدیک به آن گزارش منتشر شده بود. گزارشی که المانیتور ادعا کرد از اعضای تیم ایرانی بدست آورده است. درحالی متن این پیشنهاد از سوی اعضای تیم ما منتشر شده بود که خواست مذاکره کنندگان مخفی ماندن بود. درس ثبات قدم را باید از لیبرال هایی گرفت که معتقدند هیچ پنهان کاری در روابط بین الملل نباید وجود داشته باشد و بر همین منوال عمل می کنند.

دوم. پرونده هسته ای در دوره ی روحانی از شورای عالی امنیت ملی به وزارت خارجه منتقل شد. سرپرست تیم مذاکره کننده در دولت قبل سعید جلیلی بود. چند دور مذاکره که در دوره هایی

هم به توافق نزدیک شد. هرچند تنها چیزی که در رسانه ها منتشر شد لبخند بود و این جمله که روند مذاکرات سازنده است.

بعد از توافق بزرگ متنی در سایت ها منتشر شد. متنی که ادعا می شد متن پیشنهادی تیم سابق مذاکره کننده در سال ۸۸ به ۱+۵ بوده است. قصد بررسی اعتبار این خبر را ندارم! در نگاه اول متن بیشتر شبیه سخنرانی در جمع بسیجیان فلان شهر بود تا مذاکرات هسته ای. قطعاً همه ی کسانی که آن خبر را خواندند با هم در این عقیده مشترکند؛ آنچه با خواندن آن متن پیشنهادی و فضای رسانه ای مذاکرات گذشته به آن باید رسید، این است که تیم سابق قصدش از مذاکره فقط مذاکره بود و قطعاً با این ادبیات توافقی شکل نمی گرفت. تیم گذشته با دیپلماسی آشنا نبودند و به همین خاطر توافقی صورت نمی گرفت. هنر تیم جدید بود که این توافقی تاریخی صورت گرفت. اما حقیقت چیز دیگری بود.

۲- آلمانی ۲ طرف غربی به این رسید که اگر این ۳ بند را ایرانی ها بپذیرند: ۱- تعلیق تولید اورانیوم غنی سازی شده ۲۰ درصد به مدت ۱۸ ماه ۲- فردو هم تعطیل نشود و ۵ درصد تولید کند.

۳- مواد ۲۰ درصد هم لازم نیست از ایران خارج شود. بخشی از آن رقیق و بخش دیگری از آن به میله سوخت تبدیل شود.

باید در مقابل هم امتیازاتی همچون تحریم پتروشیمی و فلزات گران بها و... را بدهد اما طرف ایرانی تحریم بانکی و نفتی را مطرح کرد تا امتیاز متوازی بگیرد. اما بنا به دلایلی توافق صورت نگرفت.

هدف مطرح کردن مذاکرات آلمانی ۲ نیست. شیطنت رسانه ای بعد از توافق که تیم قبلی را یک عده آدم بی تجربه و انقلابی نما نشان می دهد که هیچ گونه مهارتی در مذاکرات نداشتند چرا مورد قبول مخاطبان قرار می گیرد؟ چون شفافیتی در مذاکرات نبود. شفافیتی که در این دوره هم وجود نداشت. حتی بعد از توافق صداوسیما در اقدامی مضحک به خوشحالی و هللهله پرداخت و کم ترین تلاشی برای روشن کردن اذهان مردم نکرد. فشارهای بسیار جریان دانشجویی باعث شد افق های جدیدی از توافق در رسانه ها مطرح شود. قطعاً این عدم شفافیت یکی از دلایل عدم رشد سیاسی مردم شده است.

تاکید امام بر رشد سیاسی مردم را فراموش نمی کنیم. رشدی که قرار است در پایان مذاکرات برای مردم اتفاق بیفتد. مردمی که همین پروپاگاندای صداوسیما باعث خوشحالی شان می شود. احساس می کنند پیروزی تاریخی کسب کرده اند....

هیس! تندروها حرف نمی زنند!



نقدی بر رویکرد جریان رسانه ای حامی دولت

افراطیون، تندروها، خیره سران افراطی، افراطیون رسوا، افراطیون بازنده و ...

این ها بخشی از برچسب هایی است که هر روزه می توان در تیتراژ یک های سایت ها و روزنامه هایی که به تنهایی دکه های روزنامه فروشی را قرق کرده اند، دید.

سایت ها و روزنامه های جریانی که سال های سال، شعار «زنده باد مخالف من» آن ها گوش فلک را کر کرده بود و در سال هایی که دوست نداشتند پیام انتخابات را بشنوند، لحظه ای نبود که چماق انحصارطلبی، تمامیت خواهی و نشنیدن صدای مخالف را بر سر جریان مخالف خود نکوبند.

اما، اکنون، خوب زمانی است برای سنجش ادعا با عمل! حالا خودشان لحظه ای نیست که منتقد خود را از چماق افراط گرای، خشونت طلبی و دریافت نکردن پیام انتخابات امان دهند.

گویا «زنده باد مخالف من» فقط برای زمانی است که خودشان مخالف هستند. و دیگران هر گاه در جایگاه مخالف قرار بگیرند، یک «افراطی» ای بیش نخواهند بود.

همین ها هستند که صدای رییس جمهور را می شنوند که می گوید: «یکی از افتخارات این دولت این است که انتقادپذیر است.» و یا این که می گوید: «ما واقعاً از انتقاد استقبال می کنیم. همه باید آستانه تحمل مان را بالا ببریم، همدیگر را تحمل کنیم و بدانیم با تحمل بیشتر، نفع بیشتر، عاید این مردم می شود.»

اما باز هم وقتی نمی نهند و همان کژ راهه خویش را می روند.

فارغ از اینکه هر افراط و تفریطی به نسبت یک معیاری مشخص می شود و اینکه این جریان هوچی گر خط کش معیار خود را آرمان ها و ارزش های امام و انقلاب قرار داده اند یا خیر، به نظر می رسد که ادامه روند منحط این جریان رسانه ای، آینده ی تاریکی را برای کشور ترسیم می کند. گو اینکه این هجمه ی شدید، هدفی جز بستن دهان منتقدان را دنبال نمی کند و بستن دهان منتقدان هم جز آینده تاریک به انحطاط کشیده شدن آرمان های انقلاب و ناکامی دولت در تحقق اهداف خود را در پی نخواهد داشت.

برگ برنده

کرد، فردو و اراک و ... (ما بقی‌اش را خدا می‌داند!) و اسم این‌ها می‌شود "برگ برنده".

ایران می‌توانست در این مدت، کماکان مشغول اعتماد-سازی باشد. ولی دریغ از نتیجه! چرا که آن‌ها از ما کینه دارند...

کینه‌ی سی سال استقامت... کینه‌ی سی سال حرف گوش نکردن... سی سال استقلال! و به نظر شما برای زورگو، چه چیز از این عذاب آوتر است؟!؟

حالا ایران ۹۲ مثل ایران ۸۲ نیست. ایران

سه سانتریفیوژ نمی‌خواهد ... ایران غنی-سازی در خاک خود را می‌خواهد. چیزی که از درونش جوشیده است (و وقتی جوشید که ایران نقشه "اعتمادسازی" آن‌ها را بر هم زد).

اگر در ژنو ۳، وزیر امور خارجه‌ی خندان ما، این همه "برگ برنده" دستش بود (و اصلا کاری به نحوه مصرفش ندارم) بدانید که این برگ برنده‌ها کی حاصل شد؟ کی دستور غنای ۲۰٪ داده شد؟ کی فردو و اراک و ... جان گرفتند؟ یقینا دانستن این نکته در قضاوت دوستان (اگر به خواب اختیاری نرفته باشند) مؤثر است.

من از عمیق‌ترین نقطه وجودم! آرزوی کمتر شدن فشارها را دارم. من هم اصلا نمی‌خواهم این شیر بی‌بک خون از دست بدهد. ولی باید دانست که میدان نبرد آغوش مادر نیست! ... شیر غران ما وارد محدوده‌ی ساختگی آن‌ها شده است. آن‌هایی که سال‌هاست خودشان را تنها سلطان بیشه معرفی می‌کنند. شیر ما، می‌تواند مثل گربه‌های دانشگاه که مقابله‌تان می‌نشینند و با نگاهشان گدایی غذا می‌کنند، به دستان زمخت "آن‌ها" نگاه کند و التماس حق زندگی داشته باشد... ولی این که دیگر "شیر" نیست! گربه است که ناناش به گدایی است... هر چند خیلی زیبا و فریبا باشد.

دست از پا خطا کردند نمی‌دهیم! مذاکره آن سال‌ها بر سر "دو سه تا سانتریفیوژ" بود که خواهشاً اجازه بدهید بچرخد که چرخ علم دانشگاهمان نلنگد ... ولی آن‌ها چرخ زندگیمان را هدف گرفتند! و گفتند شما غیر قابل اعتمادتر از آنی



داستان هسته‌ای را از کمی عقب‌تر دنبال کنیم ... جنگ تمام شده است و دولت در فکر سازندگی و نظام در صدد جان دادن به لاشه‌ی بی‌جان هسته‌ای. یک قرارداد و همه چیز در دست

روسیه، تا شاید بنای ما را آباد کند. از آن سال‌ها تا ده سال پیش فعالیت ما آنچنان جلب توجه نمی‌کرد ... البته حتما تلاش‌ها برای دسترسی به اصل داستان ادامه داشت. اما وقتی کار به جایی رسید که "باشگاه انرژی جهانی" خطر ایران را به طور جدی احساس کرد دست به کار شدند که نکند این ایران اسلامی باز بخواهد نظمشان را به هم بزند. نظمی که بارها و بارها توسط این کشور لجوج (از نظر آن‌ها) درهم‌شکسته شده بود. بس نبود بر هم زدن توازن قدرت در خاورمیانه... که در اکثر تقابل‌های دوگانه در منطقه این "آن-ها" بوده اند که شکسته اند ...

خلاصه! ... آنها به تکاپو افتادند که باید کاری کرد... و البته کارشان را هم کردند. فشار، تهدید و ترعیب و در نتیجه نشستن پای میز مذاکره. میزی که میزبانان حالا رئیس‌جمهور کنونی کشور است. آن زمان-ها کل موجودی سانتریفیوژ ما به تعداد انگشتان شما و دوستانتان می‌رسید. پس ایران حرف خاصی برای گفتن نداشت. انگار از فشار هم می‌ترسید. پس این بهترین فرصت بود ... برای ساکت کردن این کشور خودسر (از دید آن‌ها) ... برای پاسخ به همه شکست‌ها ... برای انتقام! ... یا رام ما می‌شود که هیچ، ما به آن‌ها انرژی هم می‌دهیم... البته به مقدار اندک و اگر

هستید که ما این لطف را در حق شما انجام دهیم و این شد که ما وارد جریان "اعتمادسازی" شدیم. درهای مراکز فنی را سه قفله کردند و فی‌المان! ... به امید جلب اعتماد "قدرت‌های جهانی". قدرت-هایی در فکر انتقام. ما مشغول اعتمادسازی بودیم که مسئولان هسته‌ای عوض شدند. جدیدالورودها جور دیگر فکر می‌کردند. گفتند اعتمادسازی بس! چرا شما اعتماد ما را جلب نمی‌کنید!؟ ... دانشمندان ما دست به کار شدند و مراکز فنی فعال. آن‌ها هم بی‌کار نبودند. شورای حکام، شورای امنیت، کنگره، اتحادیه‌ی اروپا... همه به صف شدند که جلوی این شیر غران را بگیرند. آن‌ها به خوبی ارزش انرژی را می‌دانند... خیلی بیشتر از برخی از ما که هنوز بحث روزشان آلودگی انرژی هسته ایست و ای کاش کمی کلی‌تر نگاه می‌کردند.

این شیر غران ضربه می‌خورد(ضربه‌هایی که هر کدامش کشوری را بس است)، خون می‌ریخت و البته کم کم راه خود درمانی را هم یاد می‌گرفت. ولی ضربات زیاد بود. القصه... ایران از زمان شکستن قفل‌ها باز هم مذاکره می‌کرد... ولی تنها مذاکره نمی‌کرد! چند سانتریفیوژ را به چند هزار رساند، چرخه علمش را کامل و بومی کرد، ۳٪ غنی کرد، ۵٪ غنی کرد، ۲۰٪ غنی کرد.

کتاب به شرط چاقو!!!

به گمانم دو-سه هفته پیش بود که یکی از دوستان -که خواست نامش فاش نشود!!- صدایم کرد و راجع به ایده و طرحی که برای



کتاب خوانی داشت با من صحبت کرد. می‌گفت: هر هفته یا یک هفته در میان کتابی را انتخاب کنیم و به بقیه معرفی کنیم و برای اینکه انگیزه‌ی خریدن و خواندنش در دوستان بوجود بیاید، خودمان چند جلد از کتاب را بخریم و با تخفیف مناسب در سطح دانش(گاه/کده) عرضه کنیم و از طرفی اعلام کنیم اگر کسی تا زمان مشخصی کتاب را خواند و خوشش نیامد یا نخواست کتاب را نگه دارد می‌تواند کتاب را پس بیاورد و پولش را تمام و کمال پس بگیرد! (و صد البته اگر کتاب نسبتاً سالم باشد رویش چرک نویسی نشده باشد و زیر دیگ نگذاشته باشند و رویش ننشسته باشند و...!)

و خب! طرح، طرح خوب و کاملی بود و حتی اسمش هم از قبل انتخاب شده بود: کتاب به شرط چاقو و فقط مانده بود چند نفر آدم پای کار که الحمدلله پیدا شدند و کار شروع شد و حتی یک قسمت و نیم هم اجرا شد! و حالا فقط مانده مخاطب که شما خواننده‌ی عزیز هستید که...

کتاب این هفته "خاک‌های نرم کوشک" هست. برای تهیه‌اش با ۰۹۳۶۶۹۳۵۸۰۰ (حبیبی) و یا ۰۹۳۵۱۵۹۵۸۵۵ (حسینی) تماس بگیرید.

ظریف در دانشگاه



بزرگی این روزها در سطح دانشگاه خودنمایی میکند. «دکتر محمد جواد ظریف وزیر امور خارجه روز سه شنبه برای ایراد سخنرانی به دانشگاه تهران می‌آید.»

حضور مسئولین در فضای دانشگاه اتفاق مبارکی است که اگر ادامه یابد و شرایط مناسبی بر آن حاکم باشد فواید زیادی خواهد داشت.

چندی پیش هم رئیس‌جمهور به دانشگاه آمده بود البته در فضایی کاملاً امنیتی که امکان حضور دانشجویان مستقل در آن وجود نداشت و تالار علامه امینی -که این بار میزبان ظریف است- با کارمندان دانشگاه پر شده بود.

امیدواریم حداقل این بار که یکی از مسئولین دولت تدبیر و امید به دانشگاه می‌آید به دانشجویان اجازه بیان آزادانه نظرات و پرسش از وزیر امور خارجه کشورشان داده شود.

جزئیات برخی امور قابل بیان و به مصلحت نیست.

علی اکبر صالحی معاون رییس‌جمهوری و رئیس سازمان انرژی اتمی در دیدار با خبرنگاران با اشاره به اینکه جزئیات برخی امور قابل بیان و به مصلحت نیست، گفت:



اگر بخواهم همه جزئیات و همه مسائل را روشن کنم، در حال حاضر به مصلحت نیست و مردم خوب ما هم این مساله را درک می‌کنند که هر اطلاعاتی باید در زمان بروز پیدا کند و اگر اطلاعات زودتر از زمان خودش بروز داده شود، ممکن است اختلالی در روند کار ایجاد شود.

تفاهم نامه ژنو راه را باز کرده است و در انتها، جمهوری اسلامی ایران مانند سایر اعضای معاهده ان. پی. تی و آژانس از همه حقوق مصرح در این معاهده و اساسنامه آژانس برخوردار خواهد شد.

اتحادیه‌ی اروپا ۱۷ شرکت ایرانی را تحریم کرد.

شورای اتحادیه اروپا طی اعلامیه‌ای که در سایت رسمی خود منتشر کرده اعلام کرده تحریم‌ها علیه ۱۷ شرکت ایرانی را ادامه می‌دهد. در این اعلامیه آمده است که این



اتحادیه به موجب تصمیمی که در ۲۳ مارس سال ۲۰۱۲ اتخاذ شده اعمال محدودیت بر برخی شرکت‌های ایرانی را ادامه می‌دهد.

عراقچی عضو ارشد مذاکره کننده هسته‌ای کشورمان درباره این موضوع با انتقاد از اقدام اتحادیه اروپا، گفت: اجرای تحریم‌های گذشته خلاف توافق نامه جدید نیست اما خلاف روحیه همکاری و حسن نیت در شرایطی است که در حال آمده سازی توافق جدید بین ایران و کشورهای ۵+۱ هستیم. وی ادامه داد: توافق جدید شامل بسیاری از تحریم‌های قبلی نمی‌شود و البته این توافق نیز هنوز اجرایی نشده است.

زیبا کلام خوشی نیامد!

دکتر صادق زیباکلام فعال سیاسی اصلاح طلب پس از ارائه گزارش صدروزه توسط رئیس‌جمهور با اشاره به ایرادات شکلی و محتوایی این گزارش گفت: با توجه به نارضایتی مردم از



وضع گذشته کشور چرا رئیس‌جمهور در مصاحبه، گذشته‌ها را بازگو کرد در حالی که بهتر بود از حال و آینده کشور صحبت کند.

استاد علوم سیاسی دانشگاه تهران یادآور شد: رئیس‌جمهور میتواند به جای صحبت کردن از تورم و خزانه خالی که مربوط به گذشته است موضوعاتی را اعلام کند که نشان دهنده وضع نا به سامان فعلی و اشکالات کشور که از گذشته پدیدار شده است باشد وی همچنین به فرم مصاحبه، سوالات مجریان، لحن نه چندان صادقانه دکتر روحانی، رویکرد صداوسیما، عدم مطرح شدن معضلات سیاسی، پرداخت پارانها و... انتقاداتی را وارد ساخت.